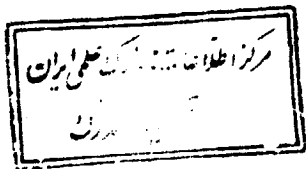


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه شهید بهشتی
دانشکده حقوق

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
حقوق عمومی

موضوع پایان نامه :

حقوق متقابل مردم و حکومت در نظام
جمهوری اسلامی ایران

۹۶۱۱

استاد راهنما :

آقای دکتر سید محمد هاشمی

استاد مشاور :

آقای دکتر محمد راسخ

نگارش :

حسن ناظم زاده

سال تحصیلی :

۷۷-۷۸

۳۲۲۷۱

تقابل بین حکومتها و مردم، مشکل بزرگ حکومتها

در اغلب کشورهای دنیا، دولتها و مردم یک مشکل بزرگ دارند و آن، حالت تقابل بین این دو است؛ مانند دو حریف اند. اگر مردم چیزی بخواهند، دولتها تا بتوانند از زیر بار آن فرار می کنند و متقابلاً اگر دولتها قوانین و مقرراتی وضع کنند، مردم تا بتوانند از زیر بار آن احکام خارج می شوند. این مساله در رژیمهای استبدادی و تحمیلی کاملاً واضح است. این مشکل به کشورهای غیر استبدادی نیز سرایت کرده و در پیشرفته ترین کشورها و با نزاکت ترین مردم، قوانینی که از سوی دولتها وضع می شود، واجب الاماعت و مقدس شمرده نمی شود. اگر مردمی هم به آن قوانین عمل کنند، فکر می کنند ناچار و مجبورند و چنانچه به آنها بگویند می توانید به این قوانین عمل نکنید، یقیناً عده زیادی عمل نخواهند کرد.

این مشکل، در حکومت اسلامی نیست. البته منظور ما الگوی کامل حکومت اسلامی است و نمونه های دیگر کامل نیستند و باید به کمال برسند. در حکومت اسلامی کامل و تمام عیار، مقررات و قوانین حق و شایسته ای که از طرف دستگاه حکومت وضع می شود، برای مردم واجب الاماعت است؛ چه، اگر حکومت حق است و برطبق شرایط اسلامی در جامعه تشکیل شد، اگر قوانین و مقررات چنین حکومتی برای مردم واجب الاماعت نباشد، نقض غرض است.

مقام معظم رهبری

تقدیر و سپاسگذاری

با عرض تأثر از فقدان مقطعی جناب آقای حجت الاسلام
والمسلمین محسن کدیور که افتخار مشاورت پایان نامه را با
ایشان داشتم بر خود فرض می دانم، از کلیه اساتید و سرورانی
که در طول دوره تحصیل و در جریان تلاش برای تهیه این پایان
نامه که به انها، مختلف از مدد آنان سود جستہ ام، بخصوص
جناب آقای دکتر سید محمد هاشمی بخاطر راهنماییهای مفید
ایشان که همواره وقت خود را وقف علم و دانش آموختگان
علم حقوق نموده اند، همچنین از سایر اساتید محترم تشکر
نموده و بدینوسیله مراتب سپاس خود را به محضرشان تقدیم
نمایم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	پیشگفتار.....
۲.....	مقدمه.....
بخش اول : حقوق مردم بر حکومت در نظام جمهوری	
۱۰.....	اسلامی ایران.....
فصل اول : حقوق کلی و اساسی مردم در نظام جمهوری	
۱۲.....	اسلامی ایران.....
۱۴.....	مبحث اول : حقوق کلی مردم.....
۱۴.....	بند اول : حقوق فردی (خصوصی).....
۱۵.....	بند دوم : حقوق اجتماعی (عمومی).....
۱۹.....	مبحث دوم : حقوق اساسی مردم.....
۱۹.....	بند اول : حقوق.....
۲۲.....	الف) حقوق سیاسی - مدنی.....
۲۲.....	ب) حقوق اجتماعی و اقتصادی.....
۲۲.....	ج) حقوق مردم.....
۲۲.....	بند دوم : آزادی.....
۲۵.....	الف) آزادی فردی.....

- اول : آزادی تن (آزادی شخصی)..... ۲۶
- دوم : آزادی رفت و آمد..... ۲۷
- سوم : آزادی شغل، مالکیت و مسکن..... ۲۸
- چهارم : آزادی در زندگی خصوصی..... ۳۰
- ب) آزادی اجتماعی..... ۳۰
- اول : آزادی افکار و عقاید..... ۳۱
- دوم : آزادی اطلاعات..... ۳۲
- سوم : آزادی مذهب..... ۳۴
- چهارم : آزادی اجتماعات..... ۳۶
- پنجم : آزادی سیاسی..... ۳۷
- ششم : آزادی آموزش و پرورش..... ۳۹
- بند سوم : برابری..... ۴۲
- الف) برابر مدنی..... ۴۴
- ب) برابری حقوقی..... ۴۴
- ج) برابری سیاسی..... ۴۴
- بند چهارم : امنیت..... ۴۵
- الف) امنیت کشور..... ۴۶
- اول : امنیت داخلی..... ۴۶
- دوم : امنیت خارجی..... ۴۷
- ب) امنیت افراد..... ۴۸
- اول : امنیت شخصی..... ۴۸

۴۹.....دوم : امنیت اجتماعی.....

فصل دوم : حقوق اجتماعی و انتظارات مردم از حکومت

۵۱.....در نظام جمهوری اسلامی ایران.....

۵۳.....مبحث اول : جلب رضایت مردم.....

۵۴.....بند اول : اعتراف به حقوق مردم.....

۵۵.....بند دوم : نهادینه کردن اصل حاکمیت قانون.....

۵۶.....بند سوم : امانتداری.....

۵۷.....بند چهارم : نگاهبانی.....

۵۸.....بند پنجم : رعایت اصل خدمت عمومی (دولت خدمتگزار).....

۵۹.....بند ششم : ارتباط نزدیک با مردم.....

۶۰.....بند هفتم : گزارش امور به مردم.....

۶۱.....بند هشتم : رعایت حقوق بیت المال و حفظ اموال عمومی.....

۶۳.....مبحث دوم : مشارکت عمومی.....

۶۴.....بند اول : مشارکت سیاسی.....

۶۷.....بند دوم : مشارکت انتخاباتی.....

۶۹.....بند سوم : مشارکت گروهی.....

۷۰.....مبحث سوم : نظارت مردمی.....

۷۲.....بند اول : انتقاد.....

۷۴.....بند دوم : مطبوعات و رسانه های گروهی.....

۷۵.....بند سوم : احزاب و تشکلهای.....

- بند چهارم : اجتماعات و راهپیمائیها..... ۷۷
- بند پنجم : کمیسیون اصل نود قانون اساسی..... ۷۸
- مبحث چهارم : اتخاذ سیاستهای مناسب در جهت رشد و تعالی جامعه..... ۷۹
- بند اول : نگرش منطقی نسبت به امور جامعه..... ۸۲
- بند دوم : سیاستگذاری در راستای اهداف کلی..... ۸۲
- مبحث پنجم : احترام به ابزار مردم در جهت استیفای حقوقشان..... ۸۳
- بند اول : مکانیزمهای دولتی..... ۸۳
- بند دوم : مکانیزمهای غیر دولتی..... ۸۴
- مبحث ششم : مخالفت..... ۸۶
- بخش دوم : حقوق حکومت بر مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران..... ۸۹
- فصل اول : حقوق معنوی (ارزشی) حکومت از مردم..... ۹۱
- مبحث اول : باور قلبی مردم به حکومت..... ۹۳
- بند اول : ایمان و اعتقاد به ولایت فقیه..... ۹۴
- بند دوم : اعتماد به نظام حاکم و داشتن وحدت..... ۹۷
- مبحث دوم : نصیحت و خیرخواهی..... ۹۸
- بند اول : ارائه پیشنهادات..... ۹۹
- بند دوم : انتقادات سازنده..... ۱۰۰
- مبحث سوم : حفظ و پاسداری از فرهنگ..... ۱۰۲
- بند اول : حفظ و پاسداری از فرهنگ ملی - اسلامی..... ۱۰۳
- بند دوم : تقویت فرهنگ جامعه..... ۱۰۵

۱۰۵.....	بند سوم : مبارزه با تهاجم فرهنگی
۱۰۷.....	مبحث چهارم : نقش مردم در حفظ و پاسداری از اصول ملی
فصل دوم : حقوق عمومی حکومت بر مردم در نظام	
۱۰۹.....	جمهوری اسلامی ایران
۱۱۰.....	مبحث اول : اطاعت از قانون
۱۱۳.....	بند اول : رابطه ولایت فقیه با قوانین اسلام
۱۱۴.....	بند دوم: رابطه ولایت فقیه با قانون اساسی
۱۱۶.....	مبحث دوم : دفاع از کشور
۱۱۸.....	بند اول : دفاع از کشور بصورت رسمی
۱۱۹.....	بند دوم : دفاع از کشور بصورت غیر رسمی
۱۲۱.....	مبحث سوم : کمک به دولت در زمینه اقتصادی
۱۲۳.....	بند اول : مالیات ثابت
۱۲۴.....	بند دوم : مالیات وضعی (مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم)
۱۲۶.....	مبحث چهارم : احترام به حقوق دیگران (حقوق مردم بر مردم)
۱۲۸.....	بند اول : احترام متقابل در روابط اجتماعی
۱۲۹.....	بند دوم : دلایل عدم رعایت روابط متقابل اجتماعی
۱۳۰.....	مبحث پنجم : بسیج ملی
۱۳۲.....	مبحث ششم : حفاظت از محیط زیست
۱۳۵.....	نتیجه گیری
۱۳۹.....	فهرست منابع و مأخذ

پیشگفتار

مردم و حکومت موضوع دو علم جداگانه اند که بعنوان دو رشته مستقل مورد مطالعه قرار می گیرند. اما در عین حال هر دو دارای حیات اجتماعی اند و لازم و ملزوم یکدیگر می باشند. تا مردم نباشند حکومت و دولت مفهومی نمی یابد و جامعه هم بدون وجود قانون، حکومت و حاکم، محکوم به فنا است. این دو نهاد اجتماعی علاوه بر خصوصیات و ویژگیهای انحصاری، دائماً در تعامل و تقابل با یکدیگرند؛ بطوری که در روابط اجتماعی‌شان مناسبات پیش می آید که منجر به روابط متقابل میان مردم و حکومت می شود و در این روند بحث از حقوق و تکالیف متقابل مطرح می گردد.

از آنجایی که حکومت در ایران، جمهوری اسلامی است، لذا ساختار و تشکیلات خاصی دارد که در برخورد با حقوق مردم به دیده خاصی می نگرد. فهم حقوق متقابل مردم و حکومت در عین حال که از مسائل امروزه به حساب می آید، باید سر فصل جدیدی برای محققان و پژوهشگران باز کند تا تلاشهای ارزنده ای در این زمینه روا دارند چرا که تحقیقات گسترده پیرامون آن صورت نگرفته و آرمانهای نظام جمهوری اسلامی ایران به شناخت هر چه بیشتر آن محتاج است.

از این رو در نظام جمهوری اسلامی ایران به لحاظ جمهوریت و اسلامیت نظام، انواع حقوق متقابل قابل تصور است که نباید در تحلیل و بررسی این مطلب که حیات جامعه ایران تا اندازه ای بدان بستگی دارد غافل بوده و به غرض یا به سهو آنرا نادیده پنداشت. در بررسی حقوق متقابل مردم و حکومت به انواع حقوق و تکالیفی بر می خوریم که باید، زمینه امکان شناخت آن فراهم گردد و نیز تلاشی باشد برای اصلاح و تقویت فرهنگ سیاسی جامعه، لذا جای یک تحقیق کامل در این زمینه خالی است.

مقدمه

اگر چه بسیاری از جانداران بصورت جمعی زندگی می کنند لیکن انسان به دلیل داشتن عقل و شعور، بیش از سایر جانداران به زندگی اجتماعی توجه دارد با نگاهی به تاریخ بشر، چه در دوران گذشته و چه در دوران متأخر معلوم می شود که همواره انسان در حال اجتماع می زیسته است و اصولاً فطرت انسان به گونه ای است که نمی تواند بصورت فردی زندگی کند و اجتماع یکی از نیازهای انسانی و زندگی بیرون از اجتماع برای بشر تقریباً ناممکن است.

اکثر اندیشمندان، محققان و جامعه شناسان، با توجه به دیدگاههای مختلف، معتقدند که در وجود، فطرت و سرشت انسان، غریزه اجتماعی بودن و مدنیت از جانب خدای تعالی به ودیعه گذاشته شده است. لذا هر جا که اجتماع بشر یافت شود، روابط اجتماعی، تلاش برای معاش، تقسیم کار، تعاون، رئیس و مرئوس، روابط متقابل و و سایر پدیده های اجتماعی ظاهر می شود. پر واضح است که زندگی کردن در جامعه لازمه اش داشتن روابط نزدیک و متقابل است و ناگفته پیداست که هر انسانی ذاتاً طالب

حقوق متقابل مردم و حکومت در نظام جمهوری اسلامی ایران

نفع و دافع ضرر است و حس خودخواهی و برتری طلبی برای تحصیل منفعت بیشتر وجود دارد و همین خصیصه ها موجب می شود که انسان به حریم دیگران تجاوز نماید. این جاست که برای جلوگیری از اصطحکاک منافع و ضررها و تعیین حدود و حقوق افراد اجتماع و جامعه، قانون لازم می آید. در این حالت است که نیاز به تشکیلات احساس می شود که پدیده های اجتماع را سرپرستی نماید بدیهی است که اجرای قانون در جهت احقاق حقوق، اجرای حدود و رفع اختلافات ناشی از تضاد منافع و ایجاد نظم، محتاج به حکومت است.

بدین ترتیب شمار فراوانی از روابط اجتماعی بین مردم و جامعه پدید می آید که اعم این روابط به رابطه بین مردم با یکدیگر و مردم با حکومت مرتبط می شود که حقوق خصوصی و عمومی ناظر به آن است. با این دیدگاه، آن قسمت از روابط اجتماعی مردم که با دستگاه حکومت و فرمانروایان مربوط گردد از مسائل حقوق عمومی حساب شده و حقوق عمومی ناظر بر آن است. و آن قسمت از روابط اجتماعی که به مردم و حکومت شونده گان مربوط گردد، حقوق خصوصی حاکم بر آن است فلذا حقوق عمومی دارای وجهه اقتداری و الزامی است و بعضاً به صورت یک جانبه عمل می کند همچنین در صورت تعارض منافع بین افراد و جامعه، اصل را بر منافع و مصلحت عموم قرار می دهد و نیز همواره یک طرف این رابطه حکومت و جبهه فرمانروایان قرار دارد. پس هر جا که بحث از مصالح و منافع عمومی و انتظام جمعی و نظم عمومی مطرح گردد حقوق عمومی موضوعیت می یابد، یعنی سلسله قواعدی که به کل جامعه و جامعه ملی نظر دارد.^۱

مطالب این رساله به لحاظ ارتباط کاملی که با حقوق عمومی دارد، محور اصلی آن به حقوق متقابل مردم و حکومت در نظام جمهوری اسلامی ایران اختصاص یافته و از

^۱ - مستفاد از بیان دکتر انصاری، ولی الله " کلیات حقوق اداری " نشر میزان، ۱۳۷۴، صفحه ۲۲-۲۴ و دکتر شریعت پناهی ابوالفضل " گفتارهای در حقوق عمومی " نشر دادگستر صفحه ۲۱-۲۳.

تکرار و شرح ساختار حکومت و مسائل پیرامون آن خودداری نموده و به مختصر اشاره ای راجع به مفاهیم کلیدی، اکتفاء می نمائیم.

حقوق متقابل

انسان بمحض تولد دارای حق می شود بعضی از این حقوق فطری هستند مانند حق حیات و حق آزادی و بعضی دیگر اکتسابی و موضوعه. پس هر انسانی انتظار دارد که علاوه بر حفظ حقوق خود، دیگران نیز حقوقش را مراعات نمایند در نتیجه خود او نیز مانند دیگران ملزم و موظف به رعایت حقوق دیگران می باشد به همین جهت است که حقوق متقابل مطرح می شود و بین حق و وظیفه، تلازم و ارتباط بوجود می آید. این همان چیزی است که در حقوق خصوصی از آن بحث به میان می آید. اما وضع همیشه بر این منوال نیست آنچنان که به آن خواهیم پرداخت.

مردم

دسته ای از اشخاص که وابسته به یک محل یا یک قوم، یا یک مذهب یا یک فرهنگ یا یک نژاد یا یک زبان یا یک واحد سیاسی یا واحد دیگری هستند که در خاک معینی زندگی می کنند. اما بدون تردید تجمع انسانها که در یک محدوده جغرافیایی یا سرزمینی زندگی می کنند همواره مردم آن دولت یا کشور شناخته نمی شوند چرا که ممکن است افرادی از کشورهای مختلف به دلایل گوناگونی در یک قلمرو خاص اجتماع کرده باشند، لیکن از نظر حقوقی و سیاسی تحت حاکمیت دولتهای متبوع خود باشند بعبارت دیگر مردم به مجموعه ای از افراد بشر گفته می شود که بوسیله یک رابطه حقوقی، سیاسی و معنوی به نام تابعیت تحت حاکمیت دولتی بدون در نظر گرفتن نژاد، زبان، مذهب و غیره با یکدیگر متحد و مرتبط باشند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز که نشأت گرفته از مکتب حیاتبخش اسلام است به حقوق اساسی مردم و ملت ایران و نیز امت اسلامی و غیر اسلامی، مسلمانان و غیر مسلمانان پرداخته است که ما هم به تناسب حوصله این نوشتار، به شرح و تفصیل آن خواهیم پرداخت.

حکومت

جامعه سیاسی کاملترین و پیشرفته ترین جوامع است و با در دست داشتن قدرت سیاسی بدنبال تنظیم روابط بین افراد و گروه ها از یک طرف، و گروه حاکم از طرف دیگر می باشد. این جامعه سیاسی در کانون واحدی به نام دولت کشور سازمان یافته و نهادینه می شود که سایر نهادهای سیاسی و رژیمها از آن منبعث می شوند این دستگاه که زمام امور و جامعه را در دست دارد مصداقی از واژه حکومت است که از طریق فرمانروایان اعمال می گردد. جهت تعیین واژه حکومت و تعریف آن ناگزیر از ارائه مفاهیم دولت می باشیم.

در متون حقوق عمومی و سیاست سه مفهوم از واژه دولت افاده میشود:

اول: دولت به معنای کلیت متمایز و شخصیتی مستقل و مجموعی است که بیشتر، موضوع حقوق بین الملل عمومی و حقوق عمومی داخلی واقع می شود مثلاً وقتی می گوئیم دولت ایران با روسیه قرار داد مودت منعقد کرد مقصود القاء کلیت و شخصیت متمایز و مجردی است که با دستگاه حکومتی و همچنین افراد و اشخاص مسئول و یا نمایندگان اشتباه نمی شود در اینجا کلمه دولت بعنوان واژه ای معادل با (Etat) در زبان فرانسه بکار رفته است.

^۱ - دکتر قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، با یسته های حقوق اساسی، نشر دادگستر ۱۳۷۵ صفحه ۱۵۳-۱۲۴.

دوم: گاهی واژه دولت به معنای جبهه فرمانروایان (هیأت حاکم، نهادهای فرمانروا ، متصدیان سیاسی) یک کشور در برابر "حکومت شوندگان" و "فرمانبران" بکار می رود در این وجه، مفهوم دولت بر کلیه کارگزاران و نهادهایی اطلاق می شود که بر فرمانبران حکومت می کنند. مثلاً در عبارات "ملت با دولت همکاری میکند" یا ">> در زمان انقلاب مردم مسلمان ایران با دولت وقت به مبارزه پرداختند" منظور از یکسو حکومت شوندگان و از سوی دیگر سازمانهای قدرت و نهادهای سیاسی بطور کلی است. مفهوم دولت، در این برداشت، در برابر مفهوم مردم و ملت قرار می گیرد، در زبان فرانسه این مفهوم از دولت با واژه های (Classyouremonke) طبقه حاکم یا (Institutions gouernentes) یا نهادهای فرمانروا مشخص می کنند.

سوم: گاهی نیز واژه دولت به معنای لایه سیاسی قوه مجریه کشور یا رده های فوقانی سیاسی نظیر نخست وزیر هئیت وزیران بکار برده می شود مثلاً در عبارت " دولت در برابر مجلس شورای اسلامی مسئولیت دارد" در واقع نظر به مجموعه سیاسی داریم که طبق قانون در چهارچوب وظایف اجرایی ترکیب یافته و از لحاظ کاربردی در این معنی رسمیت پذیرفته است در چنین صورتی واژه دولت معادل واژه فرانسوی (Gomvernement) بکار برده می شود.

مع الوصف، دولت یک واحد سیاسی و بین المللی است که انحصار اجرایی قدرت را در قلمرو خویش دارد و مقررات او نسبت به افراد تحت تابعیت او اجرا می گردد. در داخل دولت نیز از افراد حاکم و فرمانروا دستگاهی تشکیل می شود که زمام سیاسی جامعه را در دست می گیرد که حاکم بر سرنوشت اجتماع است آنچه که منظور نظر ما از واژه حکومت در این رساله مد نظر قرار دارد در واقع همین مفهوم است که مصداق حقیقی واژه حکومت می باشد.